

مربی تربیتی

امانتدار در دلد های دانش آموزان

یادش به خیر، بهترین و مخلص ترین جوانان این سرز و بوم از بدو تولد نهاد امور تربیتی - این نوزاد خلف انقلاب- در آن حضور یافتند و حراست از آرمان ها و ارزش های انقلاب را در آموزش و پرورش عهده دار شدند! چقدر مخلصانه از آن حفاظت کردند و چه مظلومانه مورد هجمه ضدانقلابیون، ترور منافقان کوردل و زخم زبان بدخواهان قرار گرفتند! الحق، هنوز هم این بچه های باصفا از بهترین های آموزش و پرورش هستند.

یادش به خیر که از صبح تا پاسی از شب در مدرسه به امور پرورشی همت می گماشتیم و شب و روز و تعطیلات نمی شناختیم؛ شاد و سرحال، سرخوش و راسخ.

سمت مربی پرورشی پز و افتخار اجتماعی و سازمانی همه ما بود. چقدر دانش آموزان دوستان داشتند! والدین مکنونات قلبی شان را در مورد فرزندانشان به راحتی و با کمال میل با ما در میان می گذاشتند و مدیران و معلمان نیز مشورت با ما را کلید موفقیت خویش می پنداشتند.

یاد آن دور هم جمع شدن ها به خیر. چه بی پیرایه و بدون تشریفات در منازل هم جمع می شدیم، کنار هم قرآن می خواندیم و مسائل سیاسی روز را تحلیل می کردیم. چه امانتدار خوبی بودیم، امانتدار در دلد های دانش آموزان و معلمان!

اکنون چه حال و روزی داریم؟ چند بار در این دو دهه این نهاد مظلوم فرود و فراز داشته است. اکنون این نهاد در چه وضعیتی است، چگونه می اندیشد و چگونه دوران تربیت را سپری می کند؟ توان و ظرفیت آن چه میزان است؟!

به نظر می رسد، نهاد امور تربیتی به سرعت چرخه حیات خویش را در دهه اول انقلاب طی کرد و به اوج اولیه رسید؛ به مرحله ای که برای تثبیت و بهبود مستمر به شدت نیازمند نوآوری و تغییر بود. لکن همراه و همسو نشدن با تغییرات و نوآوری ها در همه ابعاد (روش، منابع انسانی و طراحی و ساختار سازمانی)، یکی از اساسی ترین آسیب هایی بود که این نهاد انقلابی مبتلای آن شد و نتوانست مرحله در اوج بودن را حفظ کند و به شکوفایی برسد.

فرصت را غنیمت شماریم و با ارتقای تخصص و ایجاد نوآوری و شوق تغییر و بالندگی، شاهد رسیدن این نهاد به روزهای اوج باشیم. این مهم جز در بستر و زمینه بهره مندی از روش ها و فنون علمی و تربیتی مؤثر مربیان تربیتی و برگرداندن اعتماد به نفس و مثبت اندیشی به آنان میسر نخواهد شد.



امور تربیتی